



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

مرکز تحقیقات اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی



۶

دستبروی در حدیث ثقاتین

آیت الله عید علی حسینی میلانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دستبردی در حدیث ثقلین

نویسنده:

السید علی الحسینی الميلانی

ناشر چاپی:

الحقایق

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	دستبردی در حدیث ثقلین
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	سرآغاز
۸	پیش‌گفتار
۹	بخش یکم: راویان خبر و روایات آنان
۹	بررسی راویان خبر و روایات آنان
۹	روایت مالک بن انس
۹	روایت ابن هشام
۹	روایت حاکم
۱۰	روایت بیهقی
۱۱	روایت ابن عبدالبر
۱۱	روایت قاضی عیاض
۱۲	روایت سیوطی
۱۲	روایت متقی هندی
۱۳	بخش دوم: بررسی‌هایی در اسناد روایت
۱۳	نگرشی به اسناد روایت
۱۴	سند روایت در کتاب الموطأ
۱۴	الف - بررسی کتاب الموطأ
۱۵	ب - نگاهی به شرح حال مالک
۱۶	ج - بررسی سند روایت مالک
۱۶	سند روایت در السیره النبویه ابن هشام

۱۶	سند روایت در المستدرک
۱۸	سند روایت در السنن الكبرى بیهقی
۱۸	سند روایت در التمهید
۱۹	سند روایت در کتاب الإلماع
۲۰	سند روایت در کتاب الجامع الصغير
۲۰	سند روایت در کنز العمال
۲۱	بخش سوم: اندیشه ای در متن روایت و معنای آن
۲۱	روایت ساختگی
۲۱	انگیزه و هدف جاعلان
۲۱	حدیث واقعی «ثقلین»
۲۱	حدیث ثقلین و دلالت آن
۲۲	حدیث ثقلین و راویان آن
۲۲	یک احتمال فرضی
۲۲	کتابنامه
۲۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

دستبردی در حدیث ثقلین

مشخصات کتاب

سرشناسه : حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ -

عنوان قراردادی : رساله فی حدیث الوصیه بالثقلین الکتاب والسنه. فارسی.

عنوان و نام پدیدآور : دستبردی در حدیث ثقلین/علی حسینی میلانی؛ ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه مرکز حقایق اسلامی.

مشخصات نشر : قم: مرکز حقایق اسلامی، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۵۶ ص.

فروست : سلسله پژوهش‌های اعتقادی؛ ۶.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۰۱-۸۳-۰

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : احادیث خاص (ثقلین) -- نقد و تفسیر.

موضوع : احادیث اهل سنت -- نقد و تفسیر.

شناسه افزوده : مرکز حقایق اسلامی.

رده بندی کنگره : BP۱۴۵/ث۷۰۴۲۲ح۵ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۸۸۸۸۲

مقدمه

سرآغاز

بسم الله الرحمن الرحيم

سرآغاز

... آخرین و کامل ترین دین الهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الهی با نبوت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی الله علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیره العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الهی در هجدهم ذی الحجه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای مَنان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دین مورد پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلی الله علیه وآله، - با توطئه هایی از پیش مهیا شده - مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیر و سردرگمی قرار دادند. آنان از

همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس های شیطانی، حقایق اسلام را - که همچون آفتاب جهان تاب بود - پشت ابرهای سیاه شک و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه ها، حقایق اسلام و سخنان دُرُزبار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی ها، شبهه ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علامه حلی، قاضی نورالله، میر حامد حسین، سید شرف الدین، امینی و . . . همچون ستارگانی پرفروز می درخشد چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین واقعیات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ گویی شبهات پرداخته اند . . .

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت الله سید علی حسینی میلانی، می باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظم له، آن ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظم له است که اینک "فارسی زبانان" را با حقایق اسلامی آشنا می سازد. امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیه الله الأعظم، حضرت ولی عصر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد. مرکز حقایق اسلامی

پیش گفتار

دستبردی در حدیث ثقلین

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين المعصومين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين من الأولين والآخرين

پیش گفتار

حدیث ثقلین از جمله احادیث معروف و مشهوری است که عامه و خاصه آن را نقل کرده اند. این حدیث را صدها پیشوا و حافظ حدیث از قرون مختلف، از حدود چهل زن و مرد صحابی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به طرق زیادی نقل کرده اند.

از آن جا که در ثبوت سند این حدیث و محتوای آن تردیدی نیست، برخی از مغرضان به جعل روایت وصیت به کتاب و سنت پرداخته و آن را به عنوان حدیث ثقلین مطرح کرده اند. در این راستا روایتی از اهل تسنن نقل شده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«من در میان شما دو چیز گران بها را باقی می گذارم: کتاب خدا و سنتم».

گفتنی است که در برخی از کتاب ها آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این سخن را در سخنرانش در حجة الوداع گفته است.

نوشتاری که پیش رو دارید پژوهشی در مورد اصل روایت و راویان آن است که ما آن را بررسی و نقد نموده و حقیقت امر را برای

حقیقت جویان روشن ساخته ایم.

بخش یکم: راویان خبر و روایات آنان

بررسی راویان خبر و روایات آنان

بخش یکم

راویان خبر و روایات آنان

بررسی راویان خبر و روایات آنان

تردیدی نیست که روایت ثقلین به صورت: «کتاب الله و سنتی» تنها در چند کتاب حدیثی و سیره نقل شده است. اکنون ما به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

روایت مالک بن انس

روایت مالک بن انس

بر اساس تحقیقات انجام شده قدیمی‌ترین راوی این خبر مالک بن انس (متوفای سال ۱۷۹ هجری قمری) است. او در کتاب الموطأ این گونه نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله (۱) فرمود:

«من در بین شما دو امر را باقی می‌گذارم، مادامی که به آن دو چنگ زنید، گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنت پیامبرش». (۱)
علی‌رغم این که در منابع اهل سنت درود و صلوات پس از نام مبارک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به صورت ناقص (ابتر) آمده است، ما طبق فرمایش حضرتش، درود و صلوات را به صورت کامل آورده ایم.

روایت ابن هشام

روایت ابن هشام

یکی دیگر از افرادی که این روایت را نقل کرده است ابن هشام (متوفای سال ۲۱۸) است. وی در کتاب السیره النبویه که تهذیب کتاب سیره محمد بن اسحاق است می‌نویسد:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجه الوداع خطبه‌ای را ایراد کرد و در آن خطبه فرمود:
«... و در بین شما چیزی را باقی گذاشتم که اگر بر آن چنگ زنید هرگز گمراه نخواهید شد، آن امری روشن است: کتاب خدا و سنت پیامبرش».

روایت حاکم

روایت حاکم

حاکم نیشابوری (متوفای سال ۴۰۵) نیز در نقل این روایت نقش داشته است. وی این حدیث را در المستدرک نقل کرده است و در مورد آن اظهار نظر می‌کند. او می‌گوید:

ابوبکر احمد بن اسحاق فقیه از عباس بن فضل اسقاطی از اسماعیل بن ابی اویس و او از محمد بن فضل شعرانی از جدش از ابن ابی اویس از پدرش از ثور بن زید دیلی از عکرمه از ابن عباس این گونه نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجه

الوداع سخنانی ایراد کرد و فرمود:

«شیطان از این که در سرزمین شما پرستیده شود، مأیوس شده است، ولی او راضی شده که در اعمالی غیر از عبادت که آن‌ها را کوچک و کم می‌شمارید، مورد اطاعت شما قرار گیرد. پس بر حذر باشید. ای مردم! من در بین شما دو چیز را به یادگار گذاردم که اگر به آن‌ها چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنت پیامبرش.»

به راستی که هر مسلمانی برادر مسلمان است، و مسلمانان با هم برادرند. بر کسی مال برادرش حلال نیست مگر آن را با رضایت خاطر ببخشد.

و ستم نکنید و مبادا بعد از من به حالت کفر برگردید و به کشتن یکدیگر پردازید.»

حاکم نیشابوری پس از نقل این روایت به سند آن می‌پردازد و می‌نویسد: بخاری در نقل احادیث، به احادیث عکرمه احتجاج کرده است. مسلم نیز به ابن ابی اویس احتجاج کرده است. البته در مورد راویان دیگر همه علما اتفاق نظر دارند. حاکم پس از بررسی سند حدیث به متن آن می‌پردازد و می‌گوید:

این حدیث که از خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله است، همه در نقل آن در صحیح اتفاق نظر دارند که آن حضرت فرمود: ای مردم! من در میان شما چیزی را باقی گذاردم که بعد از من در صورتی که به آن چنگ زنید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا که شما در مورد آن از من بازخواست خواهید شد، پس [در آن موقع] چه خواهید گفت؟ البته ذکر «اعتصام به سنت» (تمسک و چنگ زدن به سنت) در این خطبه سخنی غریب است و به راستی به آن نیاز است. حاکم پس از این می‌گوید:

البته من بر این موضوع شاهی از حدیث ابو هریره یافتم که ابوبکر بن اسحاق فقیه از محمد بن عیسی بن سکن واسطی از داوود بن عمرو ضبی از صالح بن موسی طلحی از عبدالعزیز بن رفیع از ابی صالح از ابو هریره نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«من در میان شما دو چیز را باقی می‌گذارم که بعد از آن‌ها هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنت من و این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا در کنار حوض نزد من آیند» (۱). (۱) المستدرک: ۱ / ۹۳.

روایت بیهقی

روایت بیهقی

ابوبکر بیهقی (متوفای سال ۴۵۸) نیز با دو سند به نقل این حدیث پرداخته است:

سند یکم

ابوعبدالله حافظ از اسماعیل بن محمد بن فضل شعرانی از جدش از ابن ابی اویس از پدرش از ثور بن زید دیلی از عکرمه از ابن عباس رضی الله عنهما نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجّه الوداع خطبه ای خواند و در آن خطبه فرمود: «ای مردم! بی شک من در میان شما چیزی را باقی می‌گذارم که اگر به آن چنگ زنید هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنت پیامبرش.»

سند دوم

ابوالحسین بن بشران العدل در بغداد، از ابو احمد حمزه بن محمد بن عباس از عبدالکریم بن هیشم از عباس بن هیشم از صالح بن موسی طلحی از عبدالعزیز بن رفیع از ابی صالح از ابو هریره نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«بی تردید من در میان شما پس از خود چیزی را به جا گذاشتم که مادامی که آن دو را بگیریید یا به آن دو عمل کنید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنتم. این دو از یکدیگر جدا نخواهند شد تا کنار حوض بر من وارد شوند» (۱). (۱) السنن الکبری: ۱۰ / ۱۱۴.

روایت ابن عبدالبرّ

روایت ابن عبدالبرّ

یکی دیگر از افرادی که این روایت را نقل کرده است ابن عبدالبرّ قرطبی (متوفای سال ۴۶۳) است که با دو سند این روایت را نقل کرده است (۱).

سند یکم

در این سند ابن عبدالبرّ این روایت را از داوود بن عمرو ضبّی از صالح بن موسی طلحی از عبدالعزیز بن رفیع از ابی صالح از ابو هریره ... نقل می کند.

این روایت همان روایتی است که حاکم نیشابوری در کتابش آورده است و ما در ادامه بررسی درباره آن سخن خواهیم گفت.

سند دوم

در این سند ابن عبدالبرّ روایتی را به خبر کتاب الموطأ پیوند داده و این گونه گفته است که عبدالرحمان بن یحیی از احمد بن سعید از محمّد بن ابراهیم از علی بن زید عریاضی از حنینی از کثیر بن عبدالله بن عمرو بن عوف از پدرش از جدّش نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«من در میان شما دو امر را باقی گذاردم که مادامی که به آن چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنت پیامبرش». (۱) گفتنی است که ابن عبدالبرّ، در مورد احادیث کتاب الموطأ و سندهای آن، دو کتاب نگاشته است. نویسنده کشف الظنون هر دو کتاب را متذکر شده است. رجوع شود به کشف الظنون: ۲ / ۱۹۰۷. یکی از آن دو کتاب التمهید لما فی الموطأ من المعانی والاسانید است. حدیثی که در این جا نقل کردیم، سی و دومین حدیث از احادیثی است که تحت عنوان «بلغنی» از نسخه ای خطی نقل شده است. البته برای ما امکان نداشت که سند آن را به طور کامل قرائت نماییم.

روایت قاضی عیاض

روایت قاضی عیاض

قاضی عیاض یحصبی (متوفای سال ۵۴۴) نیز این روایت را این گونه نقل کرده است:

من این روایت را در حضور قاضی ابو علی حسین بن محمّد رحمه الله قرائت کردم، او گفت: من این روایت را از شیخ امام ابوالفضل احمد بن احمد اصفهانی از ابو نعیم احمد بن عبدالله حافظ از عبدالله بن محمّد بن جعفر از بنان بن احمد قطان از عبدالله بن عمر بن ابان از شعیب بن ابراهیم از سیف بن عمر از ابان بن اسحاق اسدی از صباح بن محمّد از ابو حازم از ابو سعید خدری نقل می کنم که وی می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«ای مردم! من در میان شما دو چیز گران بها را به جا می گذارم: کتاب خدا و سنتم. پس آن را تباه نسازید، چرا که مادامی که آن دو را نگه دارید هرگز دیدگانتان نابینا نخواهد شد، گام هایتان نخواهد لغزید و دست هایتان کوتاه نخواهد شد» (۱). (۱) الالماع فی ضبط الروایة و تقييد السماع: ۸ و ۹.

روایت سیوطی

روایت سیوطی

جلال الدین سیوطی (متوفای سال ۹۱۱) نیز این روایت را نقل کرده است. وی در کتاب الجامع الصغیر خویش این گونه می‌نگارد که در المستدرک حاکم به نقل از ابوهریره آمده است که حضرتش فرمود:

«من در میان شما دو چیز را باقی می‌گذارم که بعد از آن دو گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنت. این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا کنار حوض بر من وارد شوند» (۱). (۱) فیض القدیر، شرح الجامع الصغیر: ۳ / ۲۴۰.

روایت متقی هندی

روایت متقی هندی

شیخ علی متقی هندی (متوفای سال ۹۷۵) بخش دوم از جلد نخست کتاب کنز العمّال را به عنوان «چنگ زدن به کتاب و سنت» اختصاص داده و در آن بخش این روایت را از چند طریق نقل می‌کند:

الف - ابوبکر شافعی در کتاب غیلانیات می‌نویسد که ابوهریره می‌گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«من در میان شما دو چیز را پس از خودم به جا گذاردم که هرگز بعد از آن دو، گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنت. این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا کنار حوض بر من وارد شوند».

ب - حاکم نیشابوری در المستدرک می‌نویسد که ابوهریره می‌گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«من در میان شما دو چیز را باقی گذاردم که بعد از آن دو، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنت. آن دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا کنار حوض بر من وارد شوند».

ج - حاکم نیشابوری در المستدرک می‌نویسد: ابن عباس می‌گوید: حضرتش فرمود:

«شیطان از این که در سرزمین شما پرستیده شود، مأیوس گشته . . .».

د - بیهقی از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ای مردم! من در میان شما چیزهایی را باقی می‌گذارم که اگر به آن‌ها چنگ زدید هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنت پیامبرش».

ه - ابو نصر سجزی در کتاب الابانه می‌نویسد که ابوهریره می‌گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کتاب خدا و سنت من هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا کنار حوض بر من وارد شوند».

وی پس از نقل این روایت می‌گوید: این روایت جداً غریب است (۱).

روایت متقی هندی

شیخ علی متقی هندی (متوفای سال ۹۷۵) بخش دوم از جلد نخست کتاب کنز العمّال را به عنوان «چنگ زدن به کتاب و سنت» اختصاص داده و در آن بخش این روایت را از چند طریق نقل می‌کند:

الف - ابوبکر شافعی در کتاب غیلانیات می‌نویسد که ابوهریره می‌گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«من در میان شما دو چیز را پس از خودم به جا گذاردم که هرگز بعد از آن دو، گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنت. این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا کنار حوض بر من وارد شوند».

ب - حاکم نیشابوری در المستدرک می‌نویسد که ابوهریره می‌گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«من در میان شما دو چیز را باقی گذاردم که بعد از آن دو، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنت. آن دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا کنار حوض بر من وارد شوند».

ج - حاکم نیشابوری در المستدرک می نویسد: ابن عباس می گوید: حضرتش فرمود: «شیطان از این که در سرزمین شما پرستیده شود، مأیوس گشته . . .».

د - بیهقی از ابن عباس نقل می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «ای مردم! من در میان شما چیزهایی را باقی می گذارم که اگر به آن ها چنگ زنید هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنت پیامبرش».

ه- ابو نصر سجزی در کتاب الابانه می نویسد که ابوهریره می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «کتاب خدا و سنت من هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا کنار حوض بر من وارد شوند».

وی پس از نقل این روایت می گوید: این روایت جداً غریب است (۲).
روایت متقی هندی

شیخ علی متقی هندی (متوفای سال ۹۷۵) بخش دوم از جلد نخست کتاب کنز العمیال را به عنوان «چنگ زدن به کتاب و سنت» اختصاص داده و در آن بخش این روایت را از چند طریق نقل می کند:

الف - ابوبکر شافعی در کتاب غیلانیات می نویسد که ابوهریره می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «من در میان شما دو چیز را پس از خودم به جا گذاردم که هرگز بعد از آن دو، گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنت. این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا کنار حوض بر من وارد شوند».

ب - حاکم نیشابوری در المستدرک می نویسد که ابوهریره می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «من در میان شما دو چیز را باقی گذاردم که بعد از آن دو، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنت. آن دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا کنار حوض بر من وارد شوند».

ج - حاکم نیشابوری در المستدرک می نویسد: ابن عباس می گوید: حضرتش فرمود: «شیطان از این که در سرزمین شما پرستیده شود، مأیوس گشته . . .».

د - بیهقی از ابن عباس نقل می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «ای مردم! من در میان شما چیزهایی را باقی می گذارم که اگر به آن ها چنگ زنید هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنت پیامبرش».

ه- ابو نصر سجزی در کتاب الابانه می نویسد که ابوهریره می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «کتاب خدا و سنت من هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا کنار حوض بر من وارد شوند».

وی پس از نقل این روایت می گوید: این روایت جداً غریب است (۳).

(۱) کنز العمال: ۱ / ۱۷۳ حدیث ۸۷۵ و ۸۷۶ و ۱۸۴ حدیث ۹۴۱ و ۱۸۷ حدیث ۹۵۴ و ۹۵۵ .

(۲) کنز العمال: ۱ / ۱۷۳ حدیث ۸۷۵ و ۸۷۶ و ۱۸۴ حدیث ۹۴۱ و ۱۸۷ حدیث ۹۵۴ و ۹۵۵ .

(۳) کنز العمال: ۱ / ۱۷۳ حدیث ۸۷۵ و ۸۷۶ و ۱۸۴ حدیث ۹۴۱ و ۱۸۷ حدیث ۹۵۴ و ۹۵۵ .

بخش دوم: بررسی هایی در اسناد روایت

نگرشی به اسناد روایت

بخش دوم

بررسی هایی در اسناد روایات نگرشی به اسناد روایت

در بخش اول، مهم ترین سندهای روایت ساختگی «ثقلین» را از کتاب های اهل سنت نقل کردیم. پیش از آن که به بررسی سندهای این روایت بپردازیم اشاره به چند مورد، ضروری به نظر می رسد.

۱- این روایت، از روایت هایی است که بخاری و مسلم، از آن اعراض کرده اند و در دو کتاب شان که به صحیحین معروف هستند آن را نیاورده اند.

این در حالی است که اهل سنت احادیث صحیح السنند بسیاری را فقط به بهانه این که این دو شیخ بر ترک آن اتفاق نظر دارند مورد استناد قرار نداده اند.

۲- این روایت در هیچ یک از کتاب های دیگری که نزد اهل سنت به صحاح معروف هستند، آورده نشده و در واقع این روایتی است که نویسندگان صحاح شش گانه و نویسندگان دیگر بر ترک آن اتفاق نظر دارند.

۳- این روایت، در هیچ یک از مسانید معتبری همچون مسند احمد بن حنبل نیامده است. از طرفی از احمد نقل کرده اند که گفته است: روایاتی که در مسند نیامده اند، صحیح نیستند.

۴- بیشتر راویان این روایت، به غرابت آن تصریح کرده اند.

حاکم نیشابوری در این مورد می نویسد: «بیان اعتصام به سنت در این خطبه، غریب است».

آن گاه حاکم نیشابوری بر صحت سند خطبه مشتمل بر اعتصام به «عترت» تصریح می کند.

سجزی - همان طور که در کنز العمال آمده است - می گوید: این روایت به طور جدّ غریب است.

اکنون بایستی به بررسی اسناد این روایت در کتاب های مذکور بپردازیم.

سند روایت در کتاب الموطأ

سند روایت در کتاب الموطأ

جایگاه اصلی این روایت، همان روایت مالک در کتاب الموطأ است. در این مورد از سه محور به بررسی و پژوهش می پردازیم.

الف - بررسی کتاب الموطأ

الف - بررسی کتاب الموطأ

نویسنده کشف الظنون در مورد این کتاب چنین می نویسد:

همان گونه که در کتاب النکت الوقیه آمده است: الموطأ کتابی کهن و پر خیر و برکت است که نویسنده آن قصد داشت که احادیث صحیح را در آن گرد آورد، ولی آن چه در کتابش گرد آورده است از نظر خود مالک صحیح است نه طبق اصطلاح اهل حدیث؛ چرا که مالک، مراسیل و بلاغات (۱) را صحیح می داند (۲).

جلال الدین سیوطی نیز در مورد کتاب الموطأ این گونه اظهار نظر می کند:

خطیب بغدادی و دانشمندان دیگر تصریح کرده اند که الموطأ بر همه کتاب های جوامع و مسانید تقدّم دارد.

وی سپس می گوید: بنا بر این کتاب الموطأ از نظر رتبه بندی تاریخی بعد از صحیح حاکم نیشابوری است (۳).

سیوطی در کتاب تنویر الحوالک در این زمینه می نویسد:

ابن حزم در کتاب مراتب دیانت می نویسد که روایاتی را که در کتاب الموطأ مالک آمده است شمردم، در آن ۵۰۰ و اندی حدیث

مسند و ۳۰۰ و اندی حدیث مرسل یافتیم و ۷۰ و اندی حدیث در آن است که مالک خودش به آن‌ها عمل نکرده است. البته در آن، احادیث ضعیفی وجود دارد که بیشتر علما آن‌ها را تضعیف کرده اند (۴). (۱) مراسیل: جمع مُرسل است و به روایتی می‌گویند که در سلسله سند آن یک یا چند راوی حذف شده باشد.

بلاغت: به روایات‌هایی اطلاق می‌شود که به عنوان «بلغنی» آمده باشند.

(۲) کشف الظنون: ۲ / ۱۹۰۷.

(۳) تدریب الراوی: ۱ / ۸۳.

(۴) تنویر الحوالک: ۱ / ۹.

ب - نگاهی به شرح حال مالک

ب - نگاهی به شرح حال مالک

محور دوم در مورد شرح حال مالک بن انس است. وی از جهاتی مورد تضعیف و نقد قرار گرفته است. اکنون نگاهی کوتاه به شرح حال مالک می‌نماییم:

۱ - مالک از خوارج بوده است

ابو العباس المبرّد در بحثی در مورد خوارج می‌گوید:

عده‌ای از فقها به خوارج منتسب هستند، از جمله عکرمه غلام آزاد شده ابن عباس. همین سخن درباره مالک بن انس نیز گفته می‌شود. زبیریون معتقدند که مالک بن انس از عثمان، علی علیه السلام، طلحه و زبیر بدگویی می‌کرد و می‌گفت: به خدا سوگند! آنان جز بر سر آبگوشت خاک آلود با هم نجنجیدند (۱).

۲ - مالک از مدلسین (۲) بوده است

خطیب بغدادی در شرح حال برخی مدلسین، گفته است که مالک بن انس از مدلسین بوده است (۳).

۳ - پیوستن مالک به امرای حکومت و سکوت او در برابر منکرات آنان

عبدالله بن احمد می‌گوید که از پدرم شنیدم که گفت: ابن ابی ذئب و مالک همواره نزد امرا حاضر می‌شدند. ابن ابی ذئب با آنان سخن می‌گفت و به آنان امر و نهی می‌کرد، در حالی که مالک ساکت بود.

پدرم گفت: ابن ابی ذئب از مالک بهتر و از او برتر است (۴).

۴ - غنا با آلات موسیقی

ابوالفرج اصفهانی در کتاب الأغانی می‌نویسد: مالک با آلات موسیقی به غنا می‌پرداخت (۵).

۵ - سخن پیشوایان در نقد و طعن او

خطیب بغدادی در این زمینه می‌گوید: گروهی از دانشمندان در زمان مالک از او انتقاد کرده و به او خرده گرفته‌اند.

وی در این زمینه از ابن ابی ذئب، عبدالعزیز ماجشون، ابن ابی حازم و محمد بن اسحاق نام می‌برد (۶).

ابن عبدالبرّ در مورد مالک می‌گوید:

ابن ابی ذئب درباره مالک به بدی و با تندی و خشونت سخنانی گفته است که از ذکر آن کراهت دارم (۷).

افراد دیگری نیز درباره مالک سخن گفته‌اند / ابراهیم بن سعد مالک را نفرین می‌کرد.

البته عبدالرحمان بن زید بن اسلم و ابن ابی یحیی نیز در مورد مالک سخنانی دارند (۸). (۱) الکامل فی الادب: ۱ / ۱۵۹.

(۲) مدلس: یعنی کسی که تدلیس می‌کند و عیب را می‌پوشاند. تدلیس در اصطلاح علم حدیث در یک تقسیم بندی کلی دو نوع

است:

الف) تدلیس در اسناد، به این معنا است که راوی، حدیث را از کسی نقل می‌کند که او را ندیده یا حدیث را از او نشنیده باشد، یا یک راوی ضعیف را اسقاط کند، تا حدیث «حسن» یا «صحیح» تلقی شود. در مورد تدلیس گفته شده است: تدلیس برادر دروغ است.

ب) تدلیس در صفات راوی توسط ناقلین، به این معنا است که به قصد مخفی داشتن حقیقت راوی را با صفاتی یا کنیه ای غیر واقعی وصف کند یا بنامد.

(۳) الکفایه فی علم الروایه: ۳۶۵.

(۴) العلل و معرفه الرجال: ۱ / ۱۷۹.

(۵) الأغانی: ۲ / ۷۵.

(۶) تاریخ بغداد: ۱۰ / ۲۲۴.

(۷) جامع بیان العلم و فضله: ۲ / ۱۵۷.

(۸) جامع بیان العلم و فضله: ۲ / ۱۵۸.

ج - بررسی سند روایت مالک

ج - بررسی سند روایت مالک

سومین محور بررسی روایت مالک از نظر سند است. این روایت در الموطأ سندی ندارد. سیوطی در شرح الموطأ می‌نویسد: ابن عبدالبرّ اسناد این کتاب را از طریق حدیث کثیر بن عبدالله بن عمرو بن عوف از پدرش از جدش متصل کرده است (۱). ما در ادامه درباره این سند طبق روایت ابن عبدالبرّ در کتاب التمهید سخن خواهیم گفت. (۱) تنویر الحوالمک: ۲ / ۲۰۸.

سند روایت در السیره النبویه ابن هشام

سند روایت در السیره النبویه ابن هشام

این روایت در السیره النبویه ابن هشام نیز بدون سند نقل شده است. در آن کتاب عنوانی با عبارت «خطابه رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجّه الوداع» آمده است. آن گاه نگارنده در ذیل این عنوان می‌نویسد: ابن اسحاق می‌گوید: سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله به سفر حج رفت . . . و [در پایان مراسم حج] برای مردم خطبه خواند (۱).

راوی این خطابه ابن اسحاق است. به نظر اکثر علمای بزرگ و رجال شناسان، ابن اسحاق فرد مقدوح و مجروحی بوده که مورد نقد و تضعیف قرار گرفته است. وی به تدلیس (فریبکاری در حدیث) و به قمدری بودن و تشیع متهم است. تعداد بسیاری از علما از جمله: سلیمان تیمی، یحیی قطّان، وهب بن خالد و مالک بن انس در مورد ابن اسحاق گفته اند که او فرد بسیار دروغگویی است (۲). (۱) السیره النبویه: ۴ / ۶۰۳.

(۲) شرح حالش را در کتاب های رجالی بنگرید. همچنین برای آگاهی بیشتر از شرح حال ابن اسحاق می‌توانید به مطالبی مراجعه کنید که حافظ ابن سید الناس (متوفای سال ۷۳۴) در مقدمه سیره خود به نام عیون الاثر در مورد او نگاشته است.

سند روایت در المستدرک

سند روایت در المستدرک

همان گونه که پیش تر گفته شد، این روایت در المستدرک حاکم نیز آمده است. در این کتاب روایت از دو طریق نقل شده است:

۱- طریق ابن عباس

مدار روایت حاکم از ابن عباس بر «اسماعیل بن ابی اویس» است. بنا بر این ما فقط به بررسی ابن ابی اویس، اکتفا می‌کنیم. او پسر خواهر مالک و خویشاوند اوست. گروهی از پیشوایان «جرح و تعدیل» (۱) درباره این مرد سخنانی را اظهار کرده اند که اینک این مطالب را به نقل از ابن حجر عسقلانی می‌آوریم (۲):

معاویة بن صالح درباره ابن ابی اویس می‌گوید که ابن معین در مورد او گفته است: او و پدرش از نظر نقل حدیث ضعیف هستند. همچنین از ابن معین نقل می‌کند: ابن ابی اویس و پدرش حدیث می‌دزدند.

و نیز از او نقل می‌کند که ابن ابی اویس احادیث را به هم می‌آمیزد، دروغ می‌گوید و مورد اعتنا نیست.

نسایی در مورد ابن ابی اویس اظهار نظر می‌کند و می‌گوید که او از نظر نقل حدیث ضعیف است.

وی در جای دیگری می‌گوید: ابن ابی اویس ثقه و مورد اعتماد نیست.

لالکائی به نظرات نسایی اشاره می‌کند و می‌گوید: نسایی در سخن گفتن علیه اسماعیل بن ابی اویس کوتاه نیامده است و به شدت در مورد او سخن گفته تا آن جا که منجر به ترک حدیث او شده است. شاید مطلبی برای نسایی روشن شده که برای غیر او معلوم نشده است، چرا که سخن همه رجال شناسان به این ختم می‌شود که او از نظر نقل حدیث ضعیف است.

ابن عدی در مورد ابن ابی اویس می‌گوید که از دایمی خودش احادیثی غریب نقل کرده که هیچ کس دیگری در نقل آن احادیث از او پیروی نکرده است.

دولابی نیز در کتاب الضعفاء یادی از او کرده و می‌نویسد: از نصر بن سلمه مروزی شنیدم که می‌گفت: ابن ابی اویس دروغگو است. او از مالک، مسائل ابن وهب را نقل می‌کرد.

عقیلی نیز در کتاب الضعفاء او را توصیف می‌کند و می‌گوید که اُسامه زُفّاف بصری به ما نقل کرد که از یحیی بن معین شنیدم که می‌گفت: ابن ابی اویس به اندازه دو پول ارزش ندارد.

دارقطنی نیز در مورد او این گونه اظهار نظر می‌کند: او را در نقل سلسله سند حدیث صحیح انتخاب نمی‌کنم.

ابن حزم در کتاب المحلی می‌نویسد که ابوالفتح ازدی می‌گوید: سیف بن محمّد به من حدیث کرد که ابن ابی اویس حدیث جعل می‌کرد.

سلمه بن شیب نیز در مورد او چنین می‌گوید: از اسماعیل بن ابی اویس شنیدم که می‌گفت: هنگامی که مردم مدینه در مورد مسئله ای اختلاف نظر داشتند، من احادیث بسیاری را برای آن ها جعل می‌کردم.

۲- طریق ابو هریره

در سند روایت از ابو هریره شخصی به نام «صالح بن موسی طلحی کوفی» وجود دارد. پیشوایان جرح و تعدیل اهل سنت درباره او سخنانی گفته اند که آن ها را - مثل ابن ابی اویس - به نقل از ابن حجر عسقلانی می‌آوریم (۳):

ابن معین در مورد صالح بن موسی می‌گوید: او قابل اعتنا نیست.

همچنین در مورد دیگری می‌گوید: صالح و اسحاق دو پسر موسی قابل اعتنا نیستند و حدیث آن دو، نوشته نمی‌شود.

هاشم بن مرثد از ابن معین نقل می‌کند که صالح بن موسی از نظر نقل حدیث ثقه و مورد اعتماد نیست.

جوزجانی نیز در مورد او این گونه اظهار نظر می‌کند: وی با وجود خوب بودن، از نظر نقل حدیث ضعیف است.

از ابن ابی حاتم نقل شده که گفته است: پدرم درباره صالح بن موسی گفت: او به طور جدّ از نظر نقل حدیث ضعیف است. او از افراد مورد اعتماد و ثقه، احادیث منکر نقل می‌کند.

گفتم: می توان حدیث او را نوشت؟

گفت: من حدیث او را نمی پسندم.

بخاری در مورد او می گوید: احادیث صالح از طریق سهیل بن ابی صالح، منکر است.

نسایب صالح را این گونه توصیف می کند: حدیث او نوشته نمی شود. ضعیف است.

در جای دیگری می گوید: او متروک الحدیث است.

ابن عدی از صالح یاد کرده و در مورد او می نویسد: هیچ کسی روایاتی را که صالح نقل کرده است نقل نمی کند. او نزد من از کسانی است که به عمد دروغ می گوید، این گونه نیست که چیزی بر او مشتبه شود و دچار خطا و اشتباه گردد. بیشتر روایاتی را که در فضایل جدش نقل می کند، کسی نقل نکرده است.

ترمذی نیز در مورد صالح می گوید: برخی از دانشمندان علیه او سخن گفته اند.

عبدالله بن احمد می گوید: از پدرم در مورد صالح بن موسی پرسیدم: او گفت: من چیزی درباره او نمی دانم؛ گویی او را نمی پسندید.

عقلی نیز در مورد او اظهار نظر کرده و می گوید: در چیزی از احادیثش پیروی نمی شود.

ابن حبان در مورد صالح می گوید: او از افراد ثقه روایت هایی را نقل می کرد که به حدیث افراد مورد اعتماد شبیه نبود، به گونه ای که شنونده حدیث گواهی می دهد که آن حدیث ساختگی یا مقلوب است. و نمی توان به آن احتجاج کرد.

ابو نعیم نیز درباره او این گونه سخن گفته است: صالح از نظر نقل حدیث متروک است و احادیث منکری را روایت می کند. (۱) جرح و تعدیل شاخه ای است از علم رجال: جرح به معنای تضعیف کردن و تعدیل به معنای عادل دانستن.

(۲) تهذیب التهذیب: ۱ / ۲۷۱.

(۳) تهذیب التهذیب: ۴ / ۳۵۴.

سند روایت در السنن الکبری بیهقی

سند روایت در السنن الکبری بیهقی

این روایت در السنن الکبری بیهقی نیز با دو سند نقل شده است. یکی از طریق ابن عباس و دیگری از طریق ابو هریره. در سلسله سند نخستین ابن ابی اویس است و در دومی صالح بن موسی طلحی. وضعیت هر دو راوی نیز در بررسی سند روایت المستدرک حاکم روشن شد.

سند روایت در التمهید

سند روایت در التمهید

ابن عبدالبر نیز این روایت را در التمهید آورده است؛ در سند آن افراد بسیاری که لازم است مورد جرح و نقد قرار گیرند وجود دارد ولی بررسی شرح حال کثیر بن عبدالله کافی است. همو که ابن عبدالبر روایت مرسل را از طریق او به صورت متصل نقل کرده است.

اکنون شرح حال او را به نقل از ابن حجر عسقلانی بررسی می کنیم (۱):

ابو طالب نقل می کند که احمد در مورد کثیر بن عبدالله می گوید: او منکر الحدیث است، قابل اعتنا نیست.

عبدالله بن احمد می گوید: پدرم از حدیث کثیر بن عبدالله در مسند ممانعت نمود و از او چیزی برای ما نقل نکرد.

ابو خیشمه نیز این گونه اظهار نظر می کند که احمد به من گفت: از کثیر بن عبدالله چیزی نقل نکن. دوری از ابن معین نقل می کند: جدش مصاحبتی با رسول خدا صلی الله علیه و آله داشته، ولی خودش از نظر نقل حدیث ضعیف است.

مژه در مورد کثیر گوید: او قابل اعتنا نیست.

دارمی نیز درباره او همین اظهار نظر را دارد.

آجری در این زمینه می گوید: از ابو داوود درباره او پرسیدند. پاسخ داد: او یکی از بسیار دروغگویان است.

ابن ابی حاتم نیز می گوید: از ابو زرعه در مورد او پرسیدم.

گفت: حدیثش سست و بی ارزش است.

ابو حاتم در جای دیگر می گوید: او فرد استواری نیست.

نسایی می گوید: او ثقه و مورد اعتماد نیست.

ابن عدی در مورد کثیر این گونه اظهار نظر می کند: عموم روایت او قابل تبعیت نیست.

ابو نعیم اصفهانی در مورد کثیر می گوید: علی بن مدینی او را تضعیف کرده است.

ابن سعد درباره او می گوید: کثیر بن عبدالله قلیل الحدیث بود و ضعیف شمرده می شد.

ابن حجر او را این گونه توصیف می کند: ساجی کثیر را تضعیف کرده است.

ابن عبدالبر ادعای اجماع بر ضعفش می کند و می گوید: کثیر در نقل حدیث ضعیف است، بلکه گفته شده که ضعف او در نقل حدیث مورد اتفاق نظر علما است.

کثیر از پدرش و از جدش روایت نقل می کند!! و ابن حبان در این مورد می گوید: او از پدرش و از جدش نسخه ای ساختگی را نقل می کند، که ذکرش در کتاب ها جایز نیست و جز به جهت تعجب نباید از او نقل حدیث کرد.

ابن سکن در این زمینه می گوید: کثیر از پدرش از جدش احادیثی را روایت می کند که جای تأمل و نظر دارد.

حاکم نیز در مورد وی می گوید: کثیر از پدرش از جدش نسخه ای نقل کرده که در آن احادیث منکر وجود دارد.

آن چه بیان شد سخنان علما و رجال شناسان در جرح و تضعیف کثیر بن عبدالله بود. از میان این سخنان، سخن ابن عبدالبر کفایت می کند که می گوید: ضعف او در نقل حدیث مورد اتفاق نظر علما است. (۱) تهذیب التهذیب: ۸ / ۳۷۷.

سند روایت در کتاب الإلماع

سند روایت در کتاب الإلماع

این روایت در کتاب الإلماع نیز نقل شده است. در سند آن، بیش از یک فرد ضعیف و مورد انتقاد وجود دارد، چرا که یکی از راویان آن شعیب بن ابراهیم است. وی راوی کتاب های «سیف بن عمر» است، ابن عدی او را جرح و تضعیف می کند و می گوید: او فردی معروف و شناخته شده نیست (۱).

راوی دیگر این سند ابان بن اسحاق اسدی است؛ ازادی درباره او می گوید: وی متروک الحدیث است (۲).

راوی دیگر این سند، «صبح بن محمد حمسی» است که جز ترمذی کسی از او روایت نکرده است. البته ترمذی یکبار از او از ابن مسعود حدیثی را نقل کرده و آن را غریب خوانده است. او از کسانی است که از راویان ثقه و مورد اعتماد، احادیث ساختگی نقل می کردند.

عقیلی در مورد صباح می گوید: حدیث او غلط و نادرست است. او روایات موقوف را به صورت مرفوعه نقل می کند (۳).

از طرفی در نقد این سند همین بس که «سیف بن عمر» یکی از راویان آن است، ابن حجر عسقلانی درباره او این گونه اظهار نظر می‌کند:

ابن معین در مورد سیف می‌گوید که او از نظر نقل حدیث ضعیف است.

ابو حاتم او را این گونه توصیف می‌کند: حدیثش متروک است.

ابو داوود درباره سیف می‌گوید: حدیث او قابل اعتنا نیست.

نسایی درباره او می‌گوید: از نظر نقل حدیث ضعیف است.

دارقطنی نیز او را همین گونه توصیف می‌کند.

ابن عدی در مورد او می‌گوید: بعضی از احادیثش مشهور است و عموم احادیث او منکر است که قابل پیروی نیست.

ابن حبان در مورد سیف بن عمر می‌گوید: وی احادیث ساختگی را از افراد ثقه و مورد اعتماد نقل می‌کند.

ابن حبان در جای دیگر می‌گوید: گفته شده که او حدیث می‌سازد.

ابن حجر در ادامه می‌نویسد: بقیه کلام ابن حبان در مورد سیف این گونه است: وی به زندیق بودن متهم شده است.

برقانی از دارقطنی نقل می‌کند و می‌گوید: حدیث او متروک است.

حاکم نیشابوری نیز در مورد او اظهار نظر کرده و می‌گوید: سیف به زندقه بودن متهم شده است و در نقل روایت بی ارزش

است (۴). (۱) لسان المیزان: ۳ / ۱۴۵.

(۲) تهذیب التهذیب: ۱ / ۸۴.

(۳) تهذیب التهذیب: ۴ / ۳۵۸.

(۴) تهذیب التهذیب: ۴ / ۲۵۹.

سند روایت در کتاب الجامع الصغیر

سند روایت در کتاب الجامع الصغیر

این روایت در کتاب الجامع الصغیر به نقل المستدرک حاکم نیشابوری آمده است. البته ما به تفصیل در این مورد سخن گفته ایم و آن را تکرار نمی‌کنیم.

سند روایت در کنز العمال

سند روایت در کنز العمال

یکی دیگر از راویان این روایت متقی هندی است. وی این روایت را از حاکم نیشابوری و ابی بکر شافعی از ابو هریره نقل کرده است.

بدیهی است که با توجه به آن چه بیان شد وضعیّت حدیث ابی هریره روشن شد. متقی هندی این روایت را از حاکم نیشابوری به نقل از ابن عباس آورده که وضعیّت آن سند نیز معلوم شد. بیهقی نیز این روایت را از ابن عباس نقل کرده که وضعیّت آن را نیز روشن نموده ایم.

متقی هندی این روایت را از کتاب الابانه از ابو هریره نقل کرده است. وی پس از نقل حدیث می‌نویسد:

نویسنده کتاب الابانه به غرابت حدیث تصریح کرده، چرا که این روایت از ابو هریره نقل شده است (۱). (۱) ر.ک صفحه ۲۶ از همین کتاب.

بخش سوم: اندیشه‌ای در متن روایت و معنای آن

روایت ساختگی

بخش سوم

اندیشه‌ای در متن روایت و معنای آن روایت ساختگی

با توجه به آن چه گذشت روشن شد که این روایت با واژه «ثقلین» و موارد شبیه آن، اصل ندارد و صحیح نیست. زیرا اثری از وصیت به «کتاب و سنت» با واژه «ثقلین» و مانند آن وجود ندارد، نه در کتاب‌های صحیح و نه در مسندها. روایاتی نیز که در برخی از کتاب‌ها - که جایگاه اصلی آن کتاب الموطأ و المستدرک حاکم است - آمده، هیچ اساس صحیحی ندارد، به خصوص موارد نادری از کتاب‌ها که در آن‌ها آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله این سخن را در سخنرانی خود در حجّه الوداع فرموده است.

انگیزه و هدف جاعلان

انگیزه و هدف جاعلان

گمان قوی و غالب این است که هدف از جعل این روایت با این متن، این بوده است که به وسیله آن با حدیث واقعی «ثقلین» مقابله و معارضه شود. حدیثی که مورد پذیرش و اتفاق نظر مسلمانان است و نسبت به صدور آن از پیامبر پروردگار جهانیان یقین وجود دارد.

حدیث واقعی «ثقلین»

حدیث واقعی «ثقلین»

آری، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حدیث ثقلین را در موارد متفاوتی بیان فرموده است و مشهورترین جایگاه، در حجّه الوداع در خطبه معروف غدیر است. همان‌جا که اُمت را به کتاب و عترت سفارش فرمود و آنان را به پیروی از آن دو چیز خطیر امر نمود و از مخالفت با آن دو، بر حذر داشت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در ضمن سخنرانی فرمود:

«... و قد ترکت فیکم ما إن أخذتم بهما لن تضلوا بعدی: کتاب الله و اهل بیتی» (۱).

«من پس از خود برای شما چیزی را باقی گذاشتم که مادامی که پس از من به آن‌ها چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و اهل بیتم».

حضرتش در آن خطابه تأکید فرمود که مادامی که اُمت به قرآن و عترت چنگ زنند گمراه نخواهند شد، و آن دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا کنار حوض بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شوند. (۱) کنز العمال: ۱۳ / ۱۴۰ حدیث ۳۶۴۴۱.

حدیث ثقلین و دلالت آن

حدیث ثقلین و دلالت آن

حدیث ثقلین به روشنی بر وجوب پیروی اُمت از ائمه عترت از اهل بیت علیهم السلام در همه شئون دینی و دنیوی، دلالت می‌کند. از آن‌جا که در ثبوت سند این حدیث و روشنی محتوایی (متنی) آن بر امامت اهل بیت علیهم السلام تردیدی نیست برخی متعصبین

بیهوده تلاش کرده اند که در سند یا دلالت آن خدشه وارد کنند، و یا لفظ و متن آن را تحریف نمایند. برخی دیگر از آنان با جعل روایت وصیت به کتاب و سنت را به عنوان ثقلین معرفی کرده اند و بدان پناه برده اند، به این خیال که این حدیث با حدیث ثقلین که مقطوع الصدور است، معارضه خواهد کرد (!!!).

ما به حمد و سپاس خدا - پس از پژوهش و بررسی روشن کردیم که روایت وصیت به کتاب و سنت، ساختگی و جعلی است.

حدیث ثقلین و روایان آن

حدیث ثقلین و روایان آن

روایان بسیاری حدیث ثقلین را نقل کرده اند، این حدیث را صدها پیشوا و حافظ حدیث از قرون مختلف، از حدود چهل زن و مرد صحابی از رسول خدا صلی الله علیه و آله به طرق زیادی نقل کرده اند تا آن جا که برخی از علما و دانشمندان بزرگ کتابی را برای گرد آوردن طرق این حدیث نگاشته اند. به عنوان نمونه افراد ذیل این حدیث را نقل کرده اند:

مسلم بن حجاج، احمد بن حنبل، ترمذی، ابو داوود، ابن ماجه، نسایی، حاکم نیشابوری، طبری، طبرانی و ...

یک احتمال فرضی

یک احتمال فرضی

علی رغم اثبات ساختگی بودن حدیث کتاب و سنت، فرض می کنیم که این روایت دارای اصل و صحت باشد، با این حال باز هم هیچ منافاتی بین وصیت به کتاب و سنت، با وصیت به کتاب و عترت وجود ندارد، زیرا بین مسلمانان در وجوب التزام و عمل به کتاب و سنت شریف نبوی هیچ گونه اختلافی نیست، جز این که مفاد حدیث (کتاب و عترت)، وجوب گرفتن سنت از عترت نبوی است - و نه غیر از ایشان - و این همان چیزی است که علمای حدیث و شارحان آن فهمیده اند. به عنوان نمونه متقی هندی هر دو حدیث را تحت عنوان باب دوم: «در چنگ زدن به کتاب و سنت» می آورد، و این موضوع بر مراجعه کننده پنهان نخواهد بود.

درود خدا بر محمد و خاندان پاکش باد، والحمد لله رب العالمین.

کتابنامه

کتاب نامه

حرف «الف»

۱. الإلماع فی ضبط الروایة و تقیید السماع: قاضی عیاض بن موسی یحصبی.

حرف «ت»

۲. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، دار الکتب علمیة، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۷.

۳. تدریب الراوی: جلال الدین سیوطی، دار الکتب العربی، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۴.

۴. التمهید لما فی الموطأ من المعانی والأسانید: ابن عبدالبر قرطبی، دار الفاروق الحدیثه، قاهره، مصر، چاپ اول، سال ۱۴۲۰.

۵. تنویر الحوالک: جلال الدین سیوطی، دار الکتب علمیة، بیروت، لبنان.

۶. تهذیب التهذیب: ابن حجر عسقلانی، دار الکتب علمیة، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵. حرف «ج»

۷. جامع بیان العلم وفضله: ابن عبدالبر، دار ابن الجوزی، عربستان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۶.

۸. الجامع الصغیر: جلال الدین سیوطی، دار الکتب علمیة، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۰.

حرف «س»

۹. السنن الکبری: بیهقی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴.

۱۰. السیره النبویه: ابن هشام، قاهره، مصر، سال ۱۳۸۳.

حرف «ع»

۱۱. العلل و معرفة الرجال: احمد بن حنبل، المكتب الاسلامی، دار الخانی، بیروت، ریاض، چاپ اول، سال ۱۴۰۸.

حرف «ف»

۱۲. فیض القدر، شرح الجامع الصغیر: مناوی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵. حرف «ک»

۱۳. الکامل فی الأدب: میرد، دار النصر، ریاض، عربستان، سال ۱۳۸۶.

۱۴. کشف الظنون: حاجی خلیفه، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

۱۵. الکفایه فی علم الروایه: خطیب بغدادی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۰۹.

حرف «ل»

۱۶. لسان المیزان: ابن حجر، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.

حرف «م»

۱۷. المستدرک: حاکم نیشابوری، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن

منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شباه: ۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بَدان، نگاه می دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

